

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مریم لاریبی - Meriem Laribi

برگردان از: حمید محوی

۱۲ مارچ ۲۰۱۳

دوسیه هوگو چاوز

۳

عشق سوخت مایه انقلاب است؟



مریم لاریبی: ونسان لاپی یه، شما در حال گذراندن مرحله دکتری اقتصاد از گرونوبل هستید - به زودی دکتر - ولی در عین حال وبلاگ می نویسد و به ویژه فعالانه از رئیس جمهور چاوز پشتیبانی می کنید، و طی چند سال گذشته برای ویدئو های چاوز زیر نویس تهیه کرده اید. در نتیجه کاربران انترنتی فرانسوی زبان به یمن فعالیت های شما به محتوای سخنرانی های چاوز دسترسی دارند. چگونه به این کار پرداختید و به چه هدفی، تنهائی چنین تصمیمی گرفتید؟

ونسان لاپی یه: دلیل چنین تصمیمی خیلی ساده است: صدای رئیس جمهور، چاوز باید در دورترین نقطه ای که ممکن است شنیده شود زیرا در رویارویی با «نخبگان» او نه تنها بازنمایی امید برای مردم ونزوئلا بلکه اگر شهادت گفتن آن را داشته باشم، برای همه ما، و برای تمام مردم جهان است. بر این اساس، می دانم که این جملات خیلی سنگین به نظر می رسد و می تواند آنهائی را که این رئیس جمهور را نمی شناسند شگفت زده کند، و یا آنهائی را که از طریق منشور

تحریف کننده رسانه ها با او آشنائی دارند - با توجه به چنین موضوعی، در اینجا سعی می کنم برای روشن ساختن دعاوی ام توضیحاتی را مطرح کنم.

نخستین موضوعی که می خواهم در اینجا به آن اشاره کنم، به اندازه ای این مورد کم یاب است!، زیرا با هوگو چاوز، ما با مردی سیاسی ولی صادق روبه رو هستیم که نسبت به مردم خود وفادار است. به این معنا که در اینجا ما با مردی روبه رو هستیم که در اوج قدرت و با صداقت تمام برای توسعه کشورش و خارج ساختن مردم کشورش از وضعیت فقر کار می کند. این موضوع شاید عادی به نظر رسد، ولی عادی تنها برای آنهایی که به تاریخ کشورهای تحول نیافته دقت نظر ندارند که البته تاریخشان متأثر از استعمار و تبعیت از اصول و قواعد نوشته شده توسط «شمال» است، و در عین حال متأثر از خیانت نخبگان سیاسی و اقتصاد ملی بوده، به شکلی که اگر چنین خیانتی صورت نمی گرفت تبعیت و فرمانبرداری نیز در کار نمی بود. البته من از این نوع نخبگانی حرف می زنم که بی وقفه در اشکال ناپسندی برای ثروت اندوزی شخصی و به بهای سلب آزادی مردمانشان و در نتیجه دامن زدن به نابرابری عمیق اجتماعی، ثروت ها و منابع کشورشان را به حراج می گذارند. چنین مواردی استثنائی نیست، و باید مد نظر داشت که در «جنوب» و حتی فراتر از آن یک قاعده است.

با این حساب، علیه چنین نظام نئو استعماری و فرمانبرداری اعتراف ناپذیری بود که هوگو چاوز قیام کرد: او می خواهد منابع کشورش را نه برای ثروت اندوزی شخصی، بلکه برای متحول ساختن شرایط زیستی، اجتماعی و تاریخی کشورش به کار ببندد. طرح او چنین است. طرح او همان مفهومی است که در «سوسیالیسم قرن بیست و یکم» نهفته، که در ذهن او مترادف است با برابری، دموکراسی و آزادی.

این علت ابلیس نمائی او توسط رسانه های بین المللی است: او سرنوشت برده ای را متحمل می شود که پس از سالها اسارت، برمی خیزد و به اربابش اعلام می کند که از این پس می خواهد آزاد زندگی می کند و به سوی شما برمی گردد و به شما می گوید «با من بیا». به همین علت است که، از این دیدگاه نظام حاکم، صدای هوگو چاوز خطرناک است. و به همین علت نیز هست که من تمام تلاش خودم را به کار می بندم تا صدای او شنیده شود.

مریم لاریبی: با این همه، آیا می توانیم بگوئیم که تمام انتقاداتی که علیه سیاست او مطرح شده به پیکره تحریف افکار عمومی تعلق دارد؟

ونسان لاپی بر: به هیچ عنوان. سیاست جاری توسط هوگو چاوز دارای ضعف های متعددی است. هیچ کس وقتی از ونزوئلا حرف می زند، بهشت جادویی را ترسیم نمی کند، به خصوص من که نسبت به برخی نا هماهنگی ها در گزینش های دولتی قویاً موضع انتقادی دارم. ولی باید مجموعه ای از پارامترها را در نظر داشت که عموماً رسانه ها مطرح نمی کنند. به عنوان مثال، مسأله خشونت که عمداً توسط رسانه های بین المللی مطرح می شود، یک مشکل واقعی و مهم است. با این وجود، این رسانه ها هرگز یادآور نمی شوند که خشونت در ونزوئلا پیش از چاوز وجود داشته، و این مسأله در تمام امریکای لاتین دائمی و همگانی است: گزارشاتی که درباره حومه کاراکاس تهیه شده، با موسیقی متن افسرده کننده، به راحتی می توانست در بوگوتا یا در ریو تهیه شود، تماشاچیان نیز به همین اندازه می توانستند تحت تأثیر قرار بگیرند. ولی در ونزوئلا، واقعیت این است که چنین مشکلی به دلیل [جنگ کم شدت] - (یا جنگ چریکی) - که توسط ایالات متحده و اسرائیل برای سرنگونی چاوز سازماندهی شده عمق و وخامت بیشتری یافته است: تشویق خشونت درونی در شهر ها، تسهیل قاچاق اسلحه و پیاده کردن شبهه نظامیان کلمبیائی در ونزوئلا، تماماً به هدف ایجاد تشویش افکار عمومی و هدایت تدریجی آن علیه چاوز انجام گرفته است.

هدفی که زیر ضرب قرار داده اند، از بین بردن پایگاه انتخاباتی او می باشد، زیرا راهکار سنتی عمل نکرد، همانطور که دیدیم با شکست کودتای سازمان یافته توسط سیا به سال ۲۰۰۲ مواجه شد، و برای نخستین بار در تاریخ معاصر، مردم رئیس جمهور را به قدرت بازگرداندند.

بی آن که مسئله بزهکاری را مطرح کنیم که رسانه های ملی، که غالباً به بخش خصوصی تعلق دارند، به نقش مهمی که در گسترش فضای پر از سایه و ترس، در اشکال ریاکارانه می توانند داشته باشند، در جامعه و نزوئلا آگاه هستند و اندکی یادآور کاریست شیوه هائی است که رسانه ها در مورد مسلمانان فرانسه به کار می بندند : تمام این موارد موجب جدائی مردم از یکدیگر شده و ایجاد فضای مخرب پارائوپاک را در تمام کشور حاکم می سازد.

در نتیجه مسئله بزهکاری و تبهکاری واقعی است که واقعاً وجود دارد، و به عنوان یک مشکل واقعی مطرح می باشد، و چاوز طی سیزده سال نتوانست آن را برطرف سازد، ولی در رسانه ها هیچ گاه تمام اطلاعات را در اختیار ما نمی گذارند و به همین علت نمی توانیم بدانیم واقعاً در آنجا چه می گذرد. همین تحریفات در اطلاع رسانی ها بود که من را تشویق کرد که اسلحه به دست گیرم، دست کم سلاح اطلاعاتی، شما به روشنی به نیت من پی بردید.

مریم لاریبی : پس، فراسوی خشونت، به اعتقاد شما امروز ونزوئلا با چه دشواری هائی باید دست و پنجه نرم کند؟
ونسان لاپی بر : اگر از مرحله تحریف رسانه ای عبور کنیم و به شکل جدی به ونزوئلا و دشواری اساسی که باید با آن رویارویی کند بپردازیم، خروج از صادرات تک محصولی یعنی نفت است که اقتصاد آن را رقم می زند. در این مورد نیز چاوز مسؤول چنین وضعیتی نیست، زیرا محصول وضعیت طبیعی کشوری بوده که از یک قرن گذشته دولت های مختلف را به راحت طلبی تشویق کرده است : بسنده کردن به سهمی که شرکت های چند ملیتی از بهره برداری از چاه های نفت می پرداختند، از سالهای ۱۹۷۰ تشویق هائی که مورد توجه نهاد های بین المللی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بوده است. این سازمانها می خواستند به گونه ای عمل کنند که کشورهای «درحال توسعه» صنعت خود را روی بخش صادر کننده ها متمرکز سازند تا به قیمت خوب به نیازهای بین المللی در حال افزایش پاسخ بگویند، و بر این اساس خواست استقلال اقتصادی آنها را مهار سازند. هوگو چاوز وارث چنین وضعیتی است. چه کاری می تواند انجام دهد؟ غالباً اینجا و آنجا می شنویم که چاوز را متهم می دانند که به آرمانهایش خیانت کرده و بخش مهمی از نفت خود را به ایالات متحده، به «امپراتوری» می فروشد. ولی این افراد درک نکردند که برنامه های اجتماعی او، که در قلب سیاست او جای دارد، کاملاً به این درآمدهای نفتی بستگی دارد و قطع فوری فروش نفت برای مردم ونزوئلا مصیبت اجتماعی به بار خواهد آورد.

در نتیجه دولت طی ده سال است که سعی می کند در بخش مشتریان تنوع ایجاد کند، به ویژه در منطقه آسیا، و بر آن است تا از انتقال صنعتی که بتواند روند توسعه را گسترش دهد، به ویژه بخش ساختمان که چاوز غالباً از آن به عنوان «لوکوموتیو کشور» یاد می کند. ولی در واقع، عرصه مانور هوگو چاوز، به عنوان وارث وضعیت خاص تاریخی خیلی پیچیده، بسیار مختصر است زیرا عادات نهادها جا افتاده و خروج از آن ده سال به طول خواهد انجامید. از این دیدگاه باید به دوره انتخاباتی نیز بیندیشیم که برای رهبری که تصمیم می گیرد جامعه را به شکل بنیادی متحول سازد بسیار کوتاه است.

مریم لاریبی : از سوی دیگر، در مورد این مسئله، هوگو چاوز غالباً به عنوان دیکتاتور یا «مگالومن» معرفی شده است. نظر شما در این مورد چیست؟

ونسان لاپی بر : آنهایی که او را به این شکل معرفی می کنند، به هدفی که من از آن دفاع می کنم خدمت بزرگی می کنند، زیرا به راحتی می توانیم مغالطه آمیز بودن اینگونه داوری ها را ثابت کنیم. خیلی به روشنی می توانم بگویم ، که به عنوان مثال، در مقام رئیس جمهور، هوگو چاوز از فرانسوا هولاند معتبرتر است. من به شکل اختیاری از این مقایسه پر رنگ استفاده کردم تا مطالبم کاملاً قابل درک باشد. هوگو چاوز سه بار در انتخابات پیروز شد و این انتخابات نیز زیر نظارت شدید سازمانهای بین المللی که هیچ شکمی در مورد آنها وجود نداشت و به هیچ عنوان در تبنانی با قدرت نبودند، برگزار شد. از سوی دیگر، باید موضوع خیلی مهمی را در رابطه با قانون اساسی ونزوئلا یادآور شویم – اگر در این زمینه تنها کشور جهان نباشد، درباره این موضوع بعداً می توانیم تحقیق کنیم – یکی از کشورهایی است که [قانون همه پرسی جهت عزل ریاست جمهور پیش از پایان دوره حکم ریاستش، به اعتبار توافق ۲۵ درصد از ثبت نام کنندگان در فهرست انتخاباتی] را به تصویب رسانده است. این موضوع به روشنی نشان می دهد که هوگو چاوز دیکتاتور نیست، و باید واقعاً دل ناپاک باشیم که چنین موضوعی را بازشناسی نکنیم.

سرانجام، طی آخرین انتخابات، هوگو چاوز با ۵۴،۵ درصد آراء انتخاب شد. یک لحظه تصور کنید که رئیس جمهور فرانسه، پس از ۱۴ سال تکیه بر قدرت، در نخستین دور انتخابات برای سومین بار با اکثریت مطلق، زیر پوشش نظارت نهادهای بین المللی - سه باره - انتخاب شود. چه خواهید گفت؟ که او یک دیکتاتور است یا این که مردم از او پشتیبانی کرده اند؟

مریم لاریبی : در فرانسه، ما دموکراسی را در نسخه نمایشی آن داریم، ولی در ونزوئلا دموکراسی مشارکتی است، به شکل عینی معنای این فرمول ها چیست؟

ونسان لاپی بر : به شکل عینی، پیشنهاد سیاسی چاوز مشخصاً خلاف آن چیزی است که رسانه ها منعکس ساخته اند، او می خواهد قدرت را با جایگزین نمودن دموکراسی از نوع «مشارکتی و فعالانه» به مردمش باز گرداند، یعنی الگوی اجتماعی که در آن هر فردی جای خود را دارد و به شکل جمعی در تصمیم گیری ها شرکت دارد. این نوع دموکراسی در سطح محلی از طریق شوراهای محلی رواج دارد که دارای قدرت تصمیم گیری و عملیاتی واقعی در زمینه امور روزمره مردم، در محلات، روستاها؛ و در مناطق مختلف هستند. البته، این ساز و کار کامل نیست، و باز هم البته کاملاً راه اندازی نشده، برخی از این موضوع سوء استفاده می کنند، بزهداری حضور دارد، هیچ کس این موضوع را نفی نمی کند، هزاران مسأله زیر پای این ایده آل سبز می شود، ولی چاوز در قلب مردم ونزوئلا بذر امید کاشته است : بذر تمنای آزادی، نیاز مبرم به تعیین سرنوشت خودشان و نیاز به باززائی در هیأت مردم یک کشور، و در هیأت یک ملت. این خودآگاهی عمومی که پس از دهه ها انجماد فکری فرمانبردارانه به بیداری توده های تکیده زیر بار استثمار انجامید، این آن خیزش انسانی پیشگامی است که باید به عنوان بزرگترین حاصل حرکت رئیس جمهور هوگو چاوز تلقی کنیم.

و این همان درسی است که ما در فرانسه باید بیاموزیم و درباره آن بیندیشیم یعنی در جایی که به ویژه از هم گسیخته ایم و از کشورمان فاصله گرفته ایم و نسبت سرنوشت و زنجیرهای آن بی اعتنا مانده ایم. از این دیدگاه است که صدای هوگو چاوز تمام معانی خود را در فرانسه باز می یابد. اهمیت خیلی زیادی دارد که عشقی را که او برای کشورش به ارمغان آورد درک کنیم، زیرا چنین عشقی سوخت مایه انقلابی است که او هدایت آن را به دست گرفت. این چیزی است که ما در فرانسه با آن بیگانه هستیم و کم می آوریم. و همین امر دلیل عمیق فعالیت‌های من بوده، با این امید که عشق برای میهن بتواند مسری باشد، مثل یک گنجینه، مثل کلید رهائی.

مریم لاریبی : در مورد اصطلاح «مردم گرایی» («پوپولیست») که رسانه ها دائماً برای معرفی شمایل هوگو چاوز به کار می برند، نظر شما چیست؟

ونسان لاپی یر : بله، رسانه ها عادت دارند افراد و نظریاتی را که مزاحمشان می شود به الفاظ خاصی بنامند : «فاشیست»، «توطئه چین»، «ضد سامی». پس از این که افراد مشخص را با برچسب و اتهامات ... در فهرست وارد کردند، در فرصت مختصری که به آنها اعطا می کنند، از آنها می خواهند به جای این که درباره طرح هایشان حرف بزنند، به طریق اولی، به این گونه اتهامات پاسخ بگویند. اصطلاح «پوپولیست» مشخصاً به همین شیوه کار در رسانه مرتبط می باشد که به شکل تحقیر آمیزی مطرح می کنند تا واکنش از نوع پاولوفی را نزد تماشاگر تحریک کنند، بی آن که دلیل و برهان منطقی در آن دخالتی داشته باشد.

سرانجام، این روش چیزی به جز تحقیر هوش و ذکاوت مردم نیست، و دلیل آشکاری است که نشان می دهد تا چه اندازه رسانه ها تماشاگرانیشان را حقیر شمرده و در پی تأثیر گذاری روی آنها هستند. اگر بپرسیم که اصطلاح «پوپولیست» چه مفهومی را می خواهد منتقل سازد؟ من فکر می کنم هدفشان این است که چاوز را عوام فریب جلوه دهند، که گوئی او به شکل ابهام آمیزی دست به اقداماتی می زند که در چشم انداز انتظارات مردم بوده و این اقدامات را نیز تنها برای کسب پیروزی در انتخابات انجام می دهد. البته، من اینگونه فکر نمی کنم، و بر این باور هستم که نیت او کاملاً صادقانه است، و تمام علاقه مندان به این موضوع را دعوت می کنم که مستقیماً به منبع اصلی گزارشات مراجعه کنند، یعنی تعدادی از ویدئوهای چاوز را که من منتشر کرده ام ببینند.

ولی با این وجود، می خواهم برای من توضیح دهند که به چه علتی در کنار مردم بودن، در حرف و در عمل می تواند به عنوان عامل منفی تلقی شود؟ اگر طی کمتر از ده سال موجب شود که میزان فقر از ۵۱ در صد به ۲۸،۵ درصد و میزان فقر عمیق از ۲۵ درصد به ۸،۵ درصد کاهش یابد، در این صورت فکر می کنم که باید پوپولیسم را ارج بگذاریم.

مریم لاریبی : پیش از این در مورد چاوز گفتید که او موجب بیداری و خودآگاهی جمعی شده ولی با این وجود جامعه ونزوئلای عمیقاً نامنجم است، دست کم به گفته برخی شواهدی که می توانیم مشاهده کنیم، شما این تضاد را چگونه توضیح می دهید؟

ونسان لاپی یر : پیش از هر مطلبی باید بگویم که شاید به روشنی منظورم را بیان نکردم، چاوز به تنهایی نبوده که موجب این باززائی و بیداری جمعی شده است، او به عنوان کاتالیزور ایفای نقش تاریخی خود را به عهده گرفت، یعنی فردی که با خصوصیات شخصی اش، موفق شد احساس جمعی را به حالت متعالی ارتقاء بخشد و بر این اساس است که بی گمان نام او در تاریخ ونزوئلا به ثبت می رسد. خود چاوز به شیوه جالبی این موضوع را توضیح می دهد : او یک «شاخه کوچکی است که طوفان عشق به اینجا آورده»، او محصول بیداری توده های ونزوئلای است و نه علت آن. با این حساب، به اصطلاح «شکاف» یا فقدان انسجام در جامعه ونزوئلای را می توانیم به عنوان نشانه ای از جامعه و مردمی تلقی کنیم که در حال جوشش است، و دموکراسی جاندار خود را بر پا می کند.

در ونزوئلا، مردم به سرنوشت کشورشان دلبستگی دارند، با یک دیگر بحث و مجادله می کنند، گاهی نیز به یک دیگر نفرت می ورزند ولی همه آنها از این پس پی برده اند که به هر روی باید آینده خودشان را به دست گیرند.

رسانه ها افکار عمومی را به سوئی جلب می کنند، و هوگو چاوز با پداگوژی و پرسونالیته اش به سوی دیگر. به طور کلی، بحث و جدل اجتماعی که در ونزوئلا جریان دارد، از دیدگاه من خیلی سالم است و باید آن را دلیل مضاعفی برای مردود دانستن نظریه «چاوز دیکتاتور» بدانیم. برای این که به موضوع مقایسه با فرانسه بازگردیم، یعنی کشوری

که خیلی به آن دلبستگی دارم، در اینجا، به ندرت افراد با یک دیگر در خیابان درباره سیاست بحث می کنند. آیا چنین موضوعی نشان پیشرفت است یا مهر سیر قهقرائی را بر خود دارد؟ این بی حسی تمام یک جامعه است که من را فرا می خواند، به ویژه وقتی با تحولات اقتصادی و سیاسی مانند آنچه امروز فراگیر شده باید مقابله کند.

مریم لاریبی : کمی در باره کارهایی که در انترنت انجام دادید حرف بزنیم. باید وقت زیادی را به این کارها اختصاص می دادید. این فکر چگونه به ذهن شما خطور کرد، و عملاً چگونه آن را به اجرا گذاشتید؟

ونسان لاپی بر : من از پنج سال پیش در حال ترجمه چاوز هستم. پیش از ترجمه، چاوز را از مدتها پیش می شناختم زیرا مادرم کلمبیائی- ونزولائی است، به همین علت اسپانیائی را به شکل عادی حرف می زنم و از نزدیک مسائل روز امریکای لاتین را پی گیری می کنم. در نتیجه یک روز خیلی به سادگی از خودم پرسیدم : «چه کار مفیدی می توانم انجام دهم؟». شما حتماً با این احساس درماندگی در رویارویی با جهانی که بدون شما پیش می رود آشنائی دارید؟ در نتیجه، آن روز، جلوی کامپیوترم، پی بردم که ترجمه و انتشار سخنان این مرد می تواند برای من نخستین گام در یک حرکت عینی باشد. تمام مشکل ترجمه، تداوم و شکیبائی است. زیر نویس کار خیلی خسته کننده ای است، مضافاً بر این که لوژیسیل های مونتاژ در ویدئو چندان روشن و ساده نیست، ولی خب، انگیزه من خیلی قوی بود و بیش از صد ویدئو یعنی در مجموع دو میلیون دید را در بر می گیرد. و واقعاً امیدوارم که سخنرانی های بیشتری را از چاوز ترجمه کنم. به هر صورت، تا زمانی که او حرف می زند، من نیز حرفهایش را ترجمه می کنم، مطمئناً و حتماً.

موضوعی که بیش از همه مایه اندوه من می باشد، این است که در جهان، من تنها فردی باشم که او را ترجمه می کنم. زیرا برای صدای او سزاوار است که از تمام مرزها عبور کند. و فقدان پیشنهاد طرح ترجمه چند زبانه به مقامات ونزولائی اهمیت خاصی ندارد. شکست تکراری این طرح برای من یک نشان مضاعفی تلقی می شود که حاکی از وجود اختلال در نهادهای ونزولائی است. من مطمئن هستم که هوگو چاوز با کمال میل از چنین طرحی پشتیبانی می کرد. «چریک اطلاعاتی» یکی از سفارشات متعدد او بود. متأسفانه، مرد سیاسی که در رأس قدرت قرار گرفته، می تواند بهترین نیات را داشته باشد، ولی اگر ساختار و پایه ها مؤثر نباشد، بین نظریه و عمل فاصله می افتد و به شکست تمام طرح می انجامد.

علاوه بر این علیه این بیماری که نامش بوروکراسی است، چه گوارا به بهای افسرده ساختن شوروی به پا خاست، ولی من می فهمم که تا چه اندازه حق با او بود. وقتی به هزاران ساعتی که صرف ترجمه این رئیس جمهور کردم فکر می کنم، احساس تلخی به من دست می دهد، زیرا به طرح مهمتری نینجامید در حالی که کیفیت زیر نویس ها در انترنت زیر چشمان ما دیده می شود. ولی هر کاری که از عهده ام بر می آمد انجام دادم، در این مورد تردیدی ندارم.

مریم لاریبی : در حال حاضر چاوز در کوبا پس از عمل جراحی سرطان تحت معالجه است. فکر می کنید که در این وضعیت حساس آینده ونزولائا نامطمئن است؟

ونسان لاپی بر : من فکر می کنم که تحولات هر فرآیند سیاسی اساساً نامطمئن است. ولی در مورد آنچه که چاوز برای مردم ونزولائا و جهان به ارمغان آورد، به خودی خود، یک واقعیت کسب شده و بسیار ارزشمند است. تاریخی را که او رقم زد برای هر یک از ما مملو از آموزه های گرانبها بوده و ما آزاد هستیم که از آن الهام بگیریم. نمی توانم بگویم که روزی چاوز بازخواهد گشت و مثل گذشته اداره امور را به دست خواهد گرفت. ولی آنچه را که می توانم بگویم، این است، آنهایی که راه او را ادامه می دهند مسؤولیت بزرگی خواهند داشت، و آرزوی من این است که در چهره آنها همان جرقه ها را ببینیم که نزد چاوز باز شناسی کردم، یعنی صداقتی شفاف که وجه مشخصه او می باشد.

ولی فراسوی مردان سیاسی که، به هر صورت، دیر یا زود جایگزین خواهند شد، مهمترین مسأله این است که ونزوئلا به سوی جامعه مصرفی سرسام آور منحرف نخواهد شد. ارزش هائی که هوگو چاوز منتقل ساخته است آمیخته به اخلاق و شجاعت است که در رویارویی با جذبه های جامعه مصرفی مقاومت خواهد کرد.

یکی از سخنرانی های او را به یاد می آورم که خیلی روی من تأثیر گذاشت : «خودتان را رها کنید! باید از مادی گرائی خودتان رها کنید. باید مانند اولیس، آن قهرمان اساطیر یونانی عمل کنید که خودش را به دکل کشتی به بند کشید تا فریب آواز پریان دریائی را نخورد. من یکی از پابرهنه ها هستم و پابرهنه نیز خواهم مرد، هیچ چیز نمی خواهم، هیچ ثروتی».

که نسل جدید فرصت آن را داشته باشد تا این پیغام را عمیقاً درک کند، زیرا در اینجاست که چاوز به الگو تبدیل می شود، الگوی قاطع و عمیقاً «فرا انسانی» به مفهوم نیچه ای کلمه. ولی من اطمینان دارم، زیرا بذر اینجاست. و حالا مأموریت ما این است که این بذر را در خانه خودمان بکاریم.

لینک تمام ویدئوهائی که ونسان لاپی بر برای آن زیر نویس فرانسوی تهیه کرده است

<http://www.dailymotion.com/librepen...>

گاهنامه هنر و مبارزه

۹ مارچ ۲۰۱۳

دوسیه هوگو چاوز در انوستیگ-اکسیون

(سایت میشل کولن)

۳

عشق سوخت مایه انقلاب است؟

6 mars 2013

مصاحبه با ونسان لاپی بر

که ویدئوهای بی شماری از چاوز با زیر نویس فرانسه را مدیون او هستیم

برگردان از: حمید محوی

<http://www.michelcollon.info/%E2%80%AFL-amour-est-le-combustible-de.html>